

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

«پند بیست و سوم»

آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران

آذر ۱۳۹۷

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل بیست و سوم

آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران

آذر ۱۳۹۷

به نام خدا

شناسه گزارش

شماره گزارش: پیل ۲۳، آذر ۹۷

عنوان:

آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران

دبیر علمی میز آینده پژوهی : مقصود فراستخواه

تدوین کننده و کارشناس مسئول میز آینده پژوهی:

حسین سمیعی

اعضای پیل:

دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)، دکتر پرویز ساکتی (استاد دانشگاه شیراز)، دکتر زهرا پارساپور (مدیر کل دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی معاونت فرهنگی)، دکتر فاطمه حمیدی فر (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر فاطمه جواهری (دانشیار دانشگاه خوارزمی)، دکتر علیرضا دهقان (عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، دکتر اکرم قدیمی (معاون پژوهشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور) دکتر مالک شجاعی (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی)، دکتر خسرو صالحی (مدیر عامل شبکه یاری کودکان کار)، دکتر داود حاتمی (عضو هیات علمی موسسه)، دکتر احد رضائیان (پژوهشگر پسا دکتری دانشگاه تهران)، جلال کریمیان (عضو هیات مدیره انجمن دوستداران کودک پویش)، ثریا عزیزپناه (فعال کودک) محبوبه خلوک (مدیر عامل انجمن برنا)، دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز)، حسین سمیعی (کارشناس مسئول میز).

تحریر مباحثات: طاهره بشیری

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه: درباره پند و روش کار
۱۲-۵	دکتر رضا منیعی : معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۴-۱۴-۹-۶	دکتر مقصود فراستخواه: دبیر علمی میز آینده پژوهی
۹	دکتر پرویز ساکتی: هیات علمی دانشگاه شیراز
۲۴-۱۱	ثریا عزیزپناه: فعال کودک
۱۲	دکتر علیرضا دهقان: دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۱۳	جلال کریمیان : انجمن دوستداران کودک پویش
۱۵	دکتر فاطمه جواهری: دانشیار جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی
۱۶	دکتر اکرم قدیمی: معاون پژوهشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
۱۷	دکتر خسرو صالحی : مدیر عامل شبکه یاری کودکان کار
۱۸	دکتر مالک شجاعی: عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی
۱۹	دکتر فاطمه حمیدی فر، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۲۱	دکتر زهرا پارساپور: مدیر کل دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی معاونت فرهنگی
۲۲	دکتر احد رضایان قیه باشی: دانش آموخته دکتری آینده پژوهی و پژوهشگر پسا دکتری آینده پژوهی دانشگاه تهران

مقدمه: درباره پنل و روش کار

بیست و سومین پنل آینده پژوهی آموزش عالی بررسی با حضور خبره ها و متخصصان موضوع با عنوان «آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران» ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه ۲۴ آذرماه ۹۷ در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره موضوع فوق بیان کردند.



در ادامه ابتدا خلاصه‌ای از دیدگاه‌های هر یک از اعضا ارائه می‌شود:

دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه



با عرض سلام و صبح بخیر خدمت همکاران و میهمانان ارجمند. باسپاس از اینکه دعوت موسسه را پذیرفتید ، موسسه با ابتکار آقای دکتر فراستخواه از مرداد ماه سال ۱۳۹۳میز آینده پژوهی آموزش عالی را راه اندازی کردند و در این میز که یک ساختار گفتگویی دارد، ذینفعان مختلف حضور پیدا میکنند و به بحث و گفتگو می‌پردازند. بحث‌ها پیاده سازی می‌شوند و از بطن آن خروجی‌ها بسته دانشی در میآید و برای دانشگاهیان و حوزه‌های دیگر ارسال می‌شود که بازخوردهای بی نظیری داشته است. امروز در خدمت شما هستیم و بیست و سومین پنل را با عنوان آینده‌ی تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران آغاز می‌کنیم. این موضوع قابل توجهی است و اخیرا خیلی مورد توجه قرار گرفته و هم ذی نفعان بیرونی و دولت ، جامعه ، NGO ها انتظار دارند تاثیر بیشتری در جامعه داشته باشند و هم ذی نفعان درونی مانند دانشگاهیان ، نیز مایلند تاثیر بیشتری در جامعه داشته باشند. بنده مستعد اوقات نمیشوم و بحث را آغاز می‌کنیم. اگر اجازه بدهید با شما دوستان آشنا بشویم و دکتر فراستخواه بر طبق پاور پوینتی که دارند مطالبی را خدمت شما ارائه می‌کنند و بعد از آن وارد بحث و گفتگو می‌شویم. با تشکر از شما.

دکتر مقصود فراستخواه: دبیر علمی میز آینده پژوهی



موضوع امروز ما تأثیر اجتماعی دانشگاه Social impact است. پرسش این است که دانشگاه چه اندازه تأثیر اجتماعی دارد؟ در این نوبت از میز آینده پژوهی از رویکرد آینده پژوهی تخیل خلاق و تصویرسازی بهره می‌گیریم. شما خبره‌ها چه تصویری از آینده تأثیر اجتماعی دانشگاه دارید؟ آینده به صورت خلاق فهمیده می‌شود. از تحلیل خبرگی و گفت و گوی کارشناسان موضوع و تمرکز کانونی آنها روی مساله استفاده می‌کنیم تا با هم به تأمل درباب آینده بپردازیم. هریک از اعضای شرکت کننده در این پنل به قدر کافی انباشت دانش دارند و می‌توانند احتمالات آینده دانشگاه در تأثیر اجتماعی را طرح بکنند. تأثیر اجتماعی دانشگاهها در ایران مناقشه آمیز شده است و جدا محل بحث است و سؤال هست که چقدر آموزش و پژوهش دانشگاهی تأثیرگذار هست و این سرمایه گذاری که در آموزش عالی و دانشگاهها صورت می‌گیرد و عمدتاً هم مردم هزینه‌های آن را متحمل می‌شوند چقدر دستاورد واقعا مطمئن اجتماعی دارد چه میزان تأثیر گذار هست. سرمایه اجتماعی علم در این سرزمین به این است که مردم اعتماد داشته باشند دانشگاه به درد امروز و آینده آنها و فرزندانشان خواهد خورد. اینکه دانشگاه توسط هیأت امنای اداره می‌شود بدین معناست که جامعه به او اعتماد دارد. اگر سرمایه اجتماعی دانشگاهها مخدوش بشود، این سرزمین بسیار لطمه می‌بیند، زیرا دانشگاهها در حل مسائل اجتماع و محتوای جامعه بسیار نقش آفرین می‌توانند باشند. از دانشگاه انتظار می‌رود که پاسخگویی اجتماعی داشته باشد و بتواند به بخشهای واقعی زندگی مردم مثل کسب و کار، فرهنگ، زندگی اجتماعی، زندگی مدنی و انواع و اقسام مسائل حیات این جامعه کمک مؤثری بکند. کمکی که فکری، ارتباطی، معنایی، عقلانی، علمی تخصصی و اجتماعی و فرهنگی باشد. ما در اینجا می‌بینیم که مساله، مساله جهانی است و فقط منوط به ایران نیست. همین یکی دو روز ساینترفیک امریکن را مرور می‌کردم آخرین بحث هایش را در اکتبر ۲۰۱۸ که نوشته است سالانه میلیونها مقاله علمی چاپ می‌شود و برآورد شده است بیش از دو تریون سالانه در حوزه تحقیق و توسعه خرج می‌شود و علاقه‌مندان زیادی می‌توانند تولید مهارت دانش بکنند. اما آیا ما با اینها می‌توانیم زندگیمان را بهبود ببخشیم. یا زندگی بشر در سطح جهان بهبود پیدا می‌کند؟ رفاه اجتماعی و کیفیت بهبود پیدا می‌کند؟

Science Funding Is Broken

The way we pay for science does not encourage the best results

By John P. A. Ioannidis



With millions of scientific papers published every year and more than \$2 trillion invested annually in research and development, scientists make plenty of progress. But could we do better? There is increasing evidence that some of the ways we conduct, evaluate, report and disseminate research are miserably ineffective. A series of papers in 2014 in the *Lancet*, for instance, estimated that 85 percent of investment in biomedical research is wasted. Many other disciplines have similar

Lancet: a weekly peer-reviewed medical journal. First issue date: 1823, Impact factor: 53.254 (2017),

پنل ۲۳ میز، اثر ۹۷: طرح بحث توسط مقصود فراسخواره

شواهد متعددی وجود دارد که انواع روشهایی که ما با آن ها علم را ایجاد می کنیم یا ارزیابی می کنیم و ترویج می دهیم زیاد هستند، اما حاصل کارهای علمی اثر بخشی قابل توجهی ندارند و یا محل بحث و مناقشه هستند. در مجله علمی «لانست» (*Lancet*) طبق بررسی که شد بعنوان مثال ۸۵ درصد هزینه ای که برای علم تخصیص داده شد، از بین می رود. این مساله یک گفتمان جهانی است و البته استعداد سوء برداشت و سوء تعبیر زیادی در او هست ممکن است کسانی که با علم چندان میانه ای ندارند یا در کشور ما اصلا با علم ستیز هم دارند با استفاده از این نوع عدد و رقم ها درهای نیمه باز علم را و دانشگاه را نیز تخته بکنند. در عین حال باید بپذیریم علم همانطور که باید استقلال داشته باشد و خصوصا از دولت و قدرت و ایدئولوژی رسمی مستقل باشد ولی پاسخگویی اجتماعی که انتظار می رود حتما داشته باشد و به جامعه و عموم ذی نفعان توضیح دهد که چه تأثیر اجتماعی دارد. کوشش ها و روش های علمی ما در تحقیقات و آموزش های دانشگاهی مان اگر ایراد داشته باشد علم لنگ میزند. پس یک بخش از موضوع «آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه» این است که دانشگاه و دانشگاهیان چه اندازه کنشهای علمی اثر بخشی داشته اند و علم نافع اثر گذار و گره گشایی را به جامعه ارائه می دهند (*push*). آیا روشهای تولید و مبادلات علمی ما، روش های کارامدی هستند؟ و از سوی دیگر، مساله این است که چقدر جامعه سفارش دارد و چه اندازه جامعه متقاضی علم است و چه میزان کشش علم را دارد و آیا علم را جذب می کند؟ (*pull*). عبارتی چقدر صنعت ما نیاز به دانش دارد؟ آیا حکمرانان برای اداره کشور اصولا احساس نیازی به علم دارند و به دانشگاه مراجعه می کنند؟ و آیا احساس می کنند که باید طبق نتیجه تحقیقات علمی بیایند و کشور را مدیریت بکنند؟ اگر نخواهند این را متوجه باشند، دانشگاههای آینده خوبی نخواهند داشت. می خواهیم بگویم دو طرف قضیه هست. جامعه مدنی چقدر علم می خواهد، دولت چه میزان یادگیرنده است؟ صنعت و زندگی مردم چقدر نیازمند این است که مبتنی بر علم باشد و چه مقدار از دانشگاه علم می خواهند و دانشگاه نیز متقابلا آیا می تواند آموزش و پژوهشی پاسخگو داشته باشد و تحقیقات دانشگاهی آیا معطوف به اولویتها و نیازهای توسعه محلی و ملی و دردهای واقعی مردم و مسائل زندگی روزمره هست یا نیست؟ پایان نامه ها و رساله های دکتری آیا با توجه به مشکلات شهر و جامعه و کشور تعریف می شوند؟ پس قضیه دو طرف دارد هم دانشگاه باید به مشکلات واقعی توجه بکند و علم مورد نیاز را به جامعه ارائه دهد و هم جامعه و بازار و دولت و مردم باید درخواست علم و جذب علم بکنند

این چرخه می تواند تأثیر اجتماعی دانشگاه را اجمالا توضیح دهد



پیل ۲۳ میل، آذر ۹۷ : طرح بحث توسط منصور فرستخواه

۴

ما باید هر دو ضلع را در نظر بگیریم و آینده تأثیر اجتماعی دانشگاه را از این منظر بحث بکنیم. در این پیل ما بحثهای گرم زنده شما را می‌خواهیم که باز بشود و بارش فکری بشود که ما بتوانیم از دل بارش فکری شما در آخر پیل به اینجا برسیم که به فرض اینکه تمام نااطمینانی‌های کنونی جامعه ادامه داشته باشد (که در پیل‌های قبلی بحث شده است) در ده سال آینده چه عواملی بطور خاص می‌تواند تأثیر اجتماعی دانشگاه را بهبود ببخشد و ارتقا بدهد یا بدتر هم بکند؟ به فرض ثابت بودن تمام شرایط و با همین شرایط ما می‌خواهیم به آینده عزیمت کنیم. این میز برای این است که دانشگاهیانی که در خدمتشان هستیم، و ذی‌نفعان بیرونی دانشگاه نیز که دعوت کرده ایم مثلاً کسانی که از NGO ها تشریف آوردند و نسبت به عملکرد دانشگاه کنجکاو هستند و حرفهایی دارند. پس نیازمند نظرات شما هستیم تا بحث دریغ کرد که ببینیم برای آینده دانشگاه در ایران و تأثیر اجتماعی آن با حفظ تمام شرایط چه عواملی می‌تواند تعیین کننده باشد. تمام شرایط را باید در نظر بگیریم مثل برجام که دچار چنین مصیبتی است تحریم وجود دارد، مدیریت کشور مدیریت خوبی نیست. فضای اجتماعی کشور فضای مناسبی ندارد و همه بفکر کشیدن گلیم خودشان از آب هستند و همه میخواهند خودشان را سرپا نگه دارند، آینده این سرزمین مصیبت است و حتی امکانش وجود دارد که آیندگان ما را نبخشند، آیا دانشگاه در آینده خواهد توانست مشکلات جامعه را حل بکند؟ دانشگاه به رفاه اجتماعی و توسعه سرزمین چه کمکی می‌تواند بکند و به مواجهه این سرزمین با بلاهایی که پیش رو دارد، چه کارهای می‌توان انجام داد و اینکارها تحت تأثیر چه عواملی است. همه این بحث‌ها باید از حالت استاتیک خارج بشود و به آینده معطوف بشود. یعنی تمام بحثهایی که می‌کنید لطفاً با تأکید بیشتری نسبت به آینده بررسی فرمایید. ما چه کارهایی بکنیم تا از آینده ایران محافظت بکنیم.

لطفاً ضمن بحث از این کار برگ نیز برای درج دیگر دیدگاه‌های خود استفاده فرمایید:

بیست و سومین پنل میز آینده پژوهی، ۲۱ آذر ۹۷؛ موضوع: آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران

کاربرگ درج نظر اعضای پنل

به فرض ادامه نااطمینانی های کنونی، چه عواملی می تواند در ده سال آینده، تاثیر اجتماعی دانشگاه را بهبود و ارتقا بدهد؟

عوامل تعیین کننده تأثیر اجتماعی دانشگاه به فرض ادامه نااطمینانی های کنونی

ردیف	شرح عامل

دکتر پرویز ساکتی: هیات علمی دانشگاه شیراز



بنده از ابتکار موسسه و همت آقای دکتر فراستخواه برای راه اندازی این قبیل بحث ها تشکر میکنم که جزو وظایف اصلی موسسه می باشد. بنده دو مطلب اصلی دارم که یک مطلبم مربوط می شود به رویکرد و روش پنل های آینده پژوهی، و مطلب دیگرم مربوط به موضوع پنل امروز است. بنده مروری به مباحث پنل های گذشته داشتم و همانطور که فرمایش کردید عموماً پنل ها بسیار خوب به تحلیل مسائل می پردازند، ولی در واقع مذاکرات در حد بیان مساله می ماند، در حالی که فی الواقع با توجه به انتظاری که از موسسه می رود و با توانی که از نظر هیات علمی و نیروهای جوانی که وجود دارند، باید یک رویکرد علمی آینده پژوهی را برای پیدا کردن رویکردها و روشهای عملیاتی در قالب پروژه های تعریف شده پیدا کرد و یا در قالب همین پنل ها در باره هر یک از موضوعها تا یافتن راهکارهای عملیاتی یک بحث را ادامه داد. بطوریکه بهر حال پنل ها فقط محدود به بیان مسائل نشوند. بنظر من با توجه به ظرفیتی که در موسسه وجود دارد نباید فقط در پنل ها به بیان مسائل اکتفا کنیم. بلکه بایستی بفکر راهکارها و چاره اندیشی عملی باشیم. زیرا ما آینده را از جایی می توانیم بسازیم که شروع به فعالیت یا اقدامی برنامه ریزی شده برای تغییر کنیم. تا مادامی که حرکت نکنیم فقط با اندیشیدن و شناخت مسائل آینده تغییری نخواهد کرد. این یکی از اصول آینده پژوهی میباشد.

دکتر مقصود فراستخواه:

چقدر خوب میشود همین امروز پایلوت بکنیم و شما نمونه ای آزمایشی از چیزی که برسد به این تغییری که فرمودید و به نتایجی عملی برسد و منجر به کارهای بعدی بشود. بنده پیشنهاد می دهم ریاست این جلسه را برعهده بگیرید و این روش تان را امروز به شکل کارگاهی اجرا کنید.

دکتر پرویز ساکتی:

بنده فعلا چنین توصیه‌ای نمی‌کنم، اگر چه به خاطر اعتقاد چهارچوب این موضوع را هم آماده کردم، ولی چون دستور کار امروز موضوع دیگری بوده که همکاران محترم روی آن کار کرده‌اند اجازه بدهید، ذهنها بروی موضوع اصلی امروز متمرکز باشد. بهتر است دستور جلسه را تغییر ندهیم. اجازه بدهید ما نظر سایر دوستان را بشنویم و اگر موسسه و شما تمایل داشته باشید ما میتوانیم یک جلسه را به این موضوع (هم اندیشی کارگاهی درباره رویکردهای علمی آینده پژوهی) اختصاص دهیم و آنچنان همکاری کنیم تا به خروجی عملیاتی منجر بشود. درپنل‌ها توقف درگفتمان فایده ندارد. برگردیم به موضوع اصلی جلسه که امروز مطرح است، دو سه نکته ضمن فرمایشات دکتر فراستخواه بذهن من رسید که بنده فهرست وار اشاره میکنم و خیلی وقت را نمی‌گیرم. ببینید راجع به موضوع امروز پنل این را باید عرض کنم: حتما همکاران مطلع هستند در اوایل قرن بیستم آقای جان دیوئی (فیلسوف آمریکائی آموزش و پرورش) در بحث آموزش و پرورش پیشرو (progressive education) یک سوال اساسی را مطرح کرد و آن سوال اساسی همچنان باقی است، هم در کشور ما و هم در دنیا. این سوال این است که "یا آموزش و پرورش بطور اعم و دانشگاه بطور اخص باید دنباله رو جامعه باشد یا اینکه جامعه باید دنباله رو دانشگاه و نظام آموزشی باشد؟" کدام یک باید پیشرو و کدام یک باید دنبال رو دیگری باشند. ما در جوامع مختلف حالات متفاوتی را میبینیم. ولی علی‌الاصول با پیش فرضی که در عنوان امروز وجود دارد و همچنین با ملاحظه ای روی سیستم های آموزش عالی کشورهای مختلف، و با توجه به اینکه نظام آموزش عالی ما، مثل بقیه نظامهای دولتی یک نظام متمرکز هست، لذا ظاهرا ما در این محدودیت قرار داریم که دانشگاه و آموزش و پرورش باید پیرو جامعه باشد و این جامعه است که باید تعیین بکند تا به چه سمت و سویی برویم. البته این به معنای این نیست که ما این نقش را پذیرفته ایم. پندی که امروز آقای دکتر فراستخواه برگزار می کنند حاکی از این است که بهرحال دانشگاه هم می‌خواهد فعال و کنشگر باشد و تا جایی که می‌تواند این مسیر را در جهت خیر جامعه تغییر بدهد و پیشرو جامعه باشد این وظیفه ماست که بررسی کنیم و ببینیم چکاری می‌توانیم انجام بدهیم.

اما این سوال، سوالی است که بهرحال دوستانی هستند که بهتر می‌توانند پاسخگو باشند که چقدر در ایران امروز ما، دانشگاه دنباله رو جامعه است و چقدر جامعه دنباله رو دانشگاه است. اگر این سوال را بتوانیم به جواب برسانیم. می‌توان به این نکته رسید که تا انجایی که دانشگاه می‌تواند باید کنشگر باشد. ولی اینکه چقدر دانشگاه می‌تواند تاثیرگذار باشد خودش یک مساله اساسی است.

در مساله امروز "تاثیر اجتماعی دانشگاه" ما در مباحث سیاستگذاری و برنامه ریزی دوستان متوجهند وقتی در برنامه ریزی این بحث پیش می‌آید طبیعتا باید نقش و تاثیر همه ی متغیرهایی که در یک جامعه وجود دارد، مثل مسائل جمعیت شناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و منطقه ای و استانی را بررسی و تاثیرشان را لحاظ کنیم. عنوان کامل برنامه های پنج ساله عبارت است از "برنامه ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی". انتخاب این عنوان در واقع بیانگر این است که خود دولتمردان و برنامه ریزان به تاثیر این متغیرها توجه دارند ولی نه بطور اخص به نقش اجتماعی دانشگاه. این وظیفه ما دانشگاهیان است که باید به این موضوع بصورت تخصصی بپردازیم. همه می‌دانیم که اساسا این متغیرها متنوع و گسترده اند که هرکدام زیر مجموعه هایی دارند باید بطور نظام مند مورد بررسی قرار گیرند.

نکته ای که اخیرا بنده در ادبیات پژوهشی کانادا دیدم این است که در طرح های پژوهشی هنگام پذیرش پروپوزال یک بخش تازه اضافه کرده اند و عنوان این بخش "تصریح و تبیین رویکردها و روش کاربست یافته های" پروپوزالی است که قرار است تامین اعتبار بشود. در حقیقت پروپوزالی را نمیپذیرند که پیش اندیشی توسط مدیریتهای پژوهشی و حمایت کنندگان مالی و محققین نشده باشد که وقتی این پژوهش به نتیجه رسید ساز و کار عملیاتی کردن یافته هایش در جامعه به چه صورت خواهد بود. لذا با این حرکت همگان را به این فکر وا می‌دارند تا زمانیکه ایده هایی را برای پروپوزالی دارند از ابتدا به امکانات و راهکار های عملیاتی کردن یافته ها

بیابندیشند و واقعا آنها را به کار گیرند. ایده ها هرچه قدر جالب باشند فقط زمانی اعتبار می‌گیرند که یافته‌هایشان استفاده شود. در غیر این صورت منابع جامعه و مالیتهای مردم را برای پژوهش هائی هزینه می شوند که در قفسه ها برای همیشه می ماند .

در دانشگاههای ما اینهمه رساله ها و گزارش های پژوهشی در قفسه ها مانده است زیرا اساسا تصمیم گیری که مبتنی بر پژوهش باشد در کشور ما جا نیفتاده است . صرف نظر از رشته های مهندسی که در پروژه ها یک نمونه آزمایشگاهی را درست می‌کنند و گاهی روانه بازار می کنند، اما در علوم اجتماعی و فرهنگی یافته های پژوهشی به کار بست نمی رسند. بهتر است از این تجربه کانادا در زمینه کار بست پژوهش ها الگو برداری کنیم. زیرا منجر به یک خروجی علمی و کشف و نشر دانش توسط پژوهش ها می شود. ناگفته نماند که اخیرا پروپوزالی را برای بررسی ۱۴ مقوله علمی استراتژیک برای جمهوری اسلامی را معاونت علمی ریاست جمهوری ارائه دادیم و امید وار بودیم که تصویب بشود اشاره شد به اینکه اکنون مباحث نظری مورد تصویب قرار نمی‌گیرد، مگر پروپوزال هائی که به نوعی به کار آفرینی و اقتصاد دانش بنیان منجر بشود. البته ما هم پذیرفتیم.

دریچه مباحث نظری در حال بسته شدن است و از جهتی به علوم انسانی و اجتماعی و علوم پیرو ظلم شده است. از جهتی هم در سیاست کلی کشور برای اتصال علوم دانش بنیان کار تاکید کشور نیز هست که در این برهه زمانی تحریم میتواند موثر باشد. این چند نکته ای بود که بذهنم رسید. بیشتر از این وقت شمارا نمیگیرم و تشکر می‌کنم.

ثریا عزیز پناه: فعال کودک



برای من بعنوان یک فعال حقوق کودک سخت است آینده ای را متصور شوم که دانشگاهها بتوانند موثر تر عمل کنند. ولی بفرمایش آقای دکتر شاید این اتفاق رخ بدهد. ۲۵ سال پیش وقتی حقوق کودک در جامعه مطرح شد ما چنین نشستی را برای آینده پژوهی و آینده نگری در حوزه کودکان داشتیم و با فانتزی های بسیار خیال پردازانه به آینده نگاه کردیم و زمانی که برمیگردم و به آن دوران نگاه می‌کنم، بی انصافی است اگر بگویم تصورات آن زمان ما در حوزه برخی از قوانین به وقوع نپیوسته است. اما بخش بزرگی از آینده پژوهی در حوزه کودک به آن امید داشتیم، بعد از ۲۵ سال الان چقدر به آن نزدیک شده ایم و چه تصوراتی داشتیم و چقدر از آن تصورات محقق شده جای بحث زیادی دارد. آنچه که به حوزه کاری ما مربوط می‌شود و می‌توانم در آن نظر بدهم این است که آینده به طور کلی در همه ی جای دنیا بستگی به دوران کودکی و برنامه ریزی برای این دوران و توجه به کودک است. برنامه های کشوری باید کودک محور باشد و طبیعی است که دانشگاه در تدوین و تبیین این دوران و وصل شدن به آینده می توانند نقش اساسی داشته باشند. توسعه انسانی همچنانکه شما از آن آگاهی دارید بستگی تام به رشد متوازن و یک پارچه کودک و دوران کودکی دارد. از جانب دیگر یک مسله مهم و قابل توجه دیگر هم داریم و آن هم تشکیل نهاد مدنی در جامعه ایران است. دانشگاه ها می توانند با پیوند به بخش مدنی جامعه، راه های بی شماری را برای مشارکت معنا دار اجتماعی تدوین کنند. ارتقا مشارکت اجتماعی و به تبع آن کار دواطلبانه نیاز مبرمی به روش شناسی مبتی بر واقعیت های جامعه ایران دارد، و این کار می تواند هم دانشگاه ها و هم جامعه مدنی را در ایران هدفمند و در جهت آینده رهنمون شود. دارد. در چند دهه گذشته در بطن جامعه و به دلیل کار میدانی جامعه مدنی

به ویژه در حوزه حقوق کودک، باعث انباشت تجربه در حوزه کودکان و زنان شده است، این تجارب قابلیت تبدیل شدن به برنامه برای کاهش فقر کودکان و کاهش آسیب های اجتماعی را دارد و می تواند به کمک دانشگاه ها به قول معروف به کار گاه ریخته گری برود و تبدیل برنامه های کاربردی شود. به طور خلاصه عرض کنم تجارب حوزه های مدنی برای دانشگاه مفید خواهد بود البته اگر مورد توجه قرار گیرد. و از جانب دیگر این به دانشگاه ربط پیدا کرده و می تواند بصورت برنامه به کارهای ما برگردد. من فکر می کنم آینده در دوران کودکی معنا می شود و اگر جامعه ای این را بپذیرد می تواند چشم انداز قابل قبولی را برای آینده ترسیم کند و من اعتقاد دارم که دانشگاه می تواند در تبیین این مسله نقش ایفا کند.

دکتر علیرضا دهقان: دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران



بنده بسیار خوشحال هستم که در این جلسه شرکت کردم و از دغدغه های شخصی من موضوع آموزش عالی می باشد نه بعنوان یک هیات علمی بلکه بعنوان انسانی که در این جامعه زندگی می کند. بحث این است که حال آموزش عالی و حال دانشگاه خوب نیست و نشانه های خوبی از دانشگاه در جامعه دیده نمی شود. اگر از یک جهت بخواهیم مساله را مطرح کنیم، ما آموزش عالی را بصورت کمی خیلی گسترش داده ایم. ولی واقعیت این است که قیمت آموزش عالی و استاد این است. قیمت ورود به دانشگاه قیمتش این نیست و قیمت تربیت نیروی انسانی و محصولاتی که دانشگاه بصورت ایده آلی می تواند وارد دانشگاه بکند، این نیست. دانشگاه گسترش زیادی پیدا کرده، ولی به لحاظ کیفی خوب کار نمی کند و این عدم کیفیت و نزول کیفیت وضعیت دانشگاه را نازل کرده است و نتیجه این است که رابطه جامعه با صنعت و جامعه مدنی خوب نیست و انتظارات خوب برآورده نمی شود.

دکتر رضا منیعی:

خانم دکتر اشاره کردند که این ارتباط سیستماتیک وجود ندارد و در واقع دانشگاه خیلی تمایلی به این ارتباط ندارد و موانعی وجود دارد. از دید شما حل این مشکل چگونه هست. عواملی که بطور کلی و کلان قضیه وجود دارند احتمالا چطور می شود که این وضعیت بهتر بشود

دکتر علیرضا دهقان:

من سه مورد یادداشت کردم. یک بحث روابط بین الملل هست. که دکتر فراستخواه فرمودند با فرض روابط بین الملل، برجام همین باشد که الان هست. اگر هست که ما در وضعیت بهتر شدن قرار نخواهیم گرفت و وضع همین خواهد ماند و وضعیت بدتر خواهد شد. پس مورد اول روابط بین الملل هست. در بحث ارتقا دانشگاهها در سطح بین الملل، صحبت از بین المللی سازی دانشگاه می شود،

شاید این بحث در جاهای دیگر نیز مطرح باشد، ولی همزمان فرایند جهانی شدن دانشگاه فراهم نیست. نکته اول این است به لحاظ اقتصادی ما برای دانشگاه هزینه نمی‌کنیم و این آموزش عالی ما وضع خوبی ندارد و باید جمع و جورتر بشویم و از لحاظ قیمتی بیشتر کار کنیم به نحوی که بتوانیم وضع موجود را حفظ کنیم، تا بتوانیم شرایط را ارتقا بدهیم. هرکسی نتواند به راحتی وارد دانشگاه شود و منظورم فقط موانع اقتصادی نیست، موانع علمی هدف ما هست. بالاخره یک گزینشی باید وجود داشته باشد تا نیروهایی که استعداد و توانایی بیشتر دارند، بایند و وارد دانشگاه بشوند و این مستلزم کوچک شدن مراکز آموزش عالی می‌باشد. برعکس خیلی از دیدگاهها، این است که ما مراکز آموزش عالی را گسترش بدهیم. من چنین دیدگاهی ندارم من می‌خواهم بگویم که ما باید اگر می‌خواهیم توسعه پیدا کنیم، باید بین المللی بشویم و اگر می‌خواهیم بین المللی بشویم باید در سطح سازمان دهی مدیریت و پرداخت هزینه های آموزش عالی در کشور توجه و اهتمام بیشتری بشود. این نکته اول بود. ما بدون دیدن این بینش نمی‌توانیم کارهای خوبی انجام بدهیم.

در مورد بحث دوم در سطح ملی و اجتماعی است. شناخت بهتر در مورد آموزش عالی و انتظاراتی که مردم عادی و خانواده ها از دانشگاه دارند، خیلی مهم است. من شاید مطلع نباشم ولی به نظر می‌رسد خیلی لازم است که ما فهم عمومی از دانشگاه را داشته باشیم. این زمان همه طالب رفتن به دانشگاه هستند. شما الان خانواده ای را پیدا نمی‌کنید که فرزندش را به دانشگاه نفرستد. عموماً با این وضع بازار کار من بعنوان پدر یا مادر چرا باید فرزندم را به دانشگاه بفرستم. چه انتظاری از دانشگاه دارم. آیا فقط می‌خواهم فرزندم ارتقا فرهنگی پیدا کند یا اینکه نه انتظار توسعه شغلی و اقتصادی و افزایش درآمد در بازار کار را از اینها دارم. انتظار دوم، انتظار توهم است که خانواده ها از آموزش عالی دارند. بنابراین بنظرم این مساله نیاز به پیمایش دارد که چرا ادمها فرزندشان را به دانشگاه میفرستند و چه انتظاری دارند که ان وقت ما تنظیم بهتری بکنیم. کمپینی بوجود بیاید، مثلاً اگر وجه فرهنگی است در مدت زمان کمتری بجای ۴ سال کارشناسی این را تامین کرد. بصورت خودآموز اینکار را انجام داد که اصلاً نیازی به ورود به دانشگاه نیست. تا ارتقا فرهنگی رخ بدهد و در دسر برای دولت ایجاد شود. بعضی از همکاران مثل کودکان کار، بحث صنعت و صاحبان مراکز هم وارد این بحث باید بشوند که دقیقاً انتظارشان از دانشگاه چه چیزی هست. ما با وفور فارغ التحصیل مواجهه هستیم و فارغ التحصیلان زائد بر درخواست بازار هستند. ایا واقعا همین است یا نه. این عدم تناسب فنی و تکنیکال هست. چون بالاخره مراکز کسب و کار توسعه پیدا می‌کنند و زیاد می‌شوند و ظاهراً باید تقاضا برای نیروی کار فارغ التحصیلان زیاد باشد، ولی چرا این رابطه وجود ندارد. ما اینجا باید انتظارات این سازمانها را از دانشگاه متوجه بشویم، تا بتوانیم یک پیش بینی دقیق و سنجیده تری از آموزش عالی داشته باشیم.

بک بحث دیگری که من اینجا عرض می‌کنم، بحث ساختار سیاسی، اقتصادی است. ما بدون اینکه مشارکت اقتصادی را به بخش کمی و بخش سیاسی را به بخش کیفی ارتقا بدهیم نمی‌توانیم انتظار بالایی از آموزش عالی داشته باشیم. ساختار سیاسی متمرکز و ساختار اقتصادی متمرکز تشویق کننده به لحاظ ظاهر و کمی مشوق هست، ولی به لحاظ کیفی اینکار را انجام نمی‌دهد و لازمه اش این است از لحاظ سیاسی باز بشود و اقتصاد خصوصی واقعی بازار توسعه پیدا کند تا می‌توانیم در واقع وضعیت بهتری از دانشگاه طلبی بکنیم و دانشگاه خودش را با این وضعیت تطبیق کند، بدون این تعامل ما خیلی نمی‌توانیم تصویر و چشم انداز بهتری داشته باشیم. باید از علم تبعیت بکند نه اینکه علم از سیاست تبعیت بکند. این چند نکته ای بود که به ذهن بنده رسید. متشکرم.

جلال کریمیان : انجمن دستداران کودک پویش



بنده سه مطلب می‌خواهم عرض کنم. سال گذشته در نشست‌هایی که همین‌جا برگزار شد عرض نمودم که صحبت و تجارب بنده بر آمده از زیست توأمان و فعالانه ام در عرصه دانشگاه و فعالیت مدنی است. با توجه به این تجربه من یک آسیب‌شناسی از دانشگاه می‌کنم. من بعنوان دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه تهران وقتی وارد دانشگاه شدم با خودم فکر کردم که بعد از ۴ سال من جامعه‌ام را چطور می‌شناسم و یک حالت طنزی برایم پیش آمد که من دوران کارشناسی را تمام کردم بدون اینکه مطمئن باشم شناختی حتی در سطح یک شهروند عادی از جامعه دارم. این قضیه مصادف شد با حضور بنده به عنوان یک داوطلب در انجمن دوستداران کودک پویا و زمانیکه تجربه در انجمن بیشتر شد و درگیر کارهای اجرایی شدم تازه متوجه شدم به عنوان یک دانشجوی دانشگاه سهم کمی از شناخت من از جامعه را باعث شده و بخش زیادی از تجربه ام از طریق ارتباط مستقیم جامعه بدست آمده. به معنای دیگر من شناختی از نظریات جامعه‌شناختی داشتم بدون آنکه بتوانم ارتباط درخوری میان این آگاهی نظری با شناخت ملموسم از جامعه برقرار کنم و در نتیجه بر اساس آن به تحلیل و عمل دست بزنم. نتیجه‌گیری که از این تجربه می‌توانم بکنم آن است که دانشگاه ما ایده یا ایده‌هایی مشخص برای برقراری ارتباط با جامعه ندارد؛ چه در سطح شناخت و چه برای عمل دانشگاهی. و این موضوع شاید مهم‌ترین آسیب‌شناسی از دانشگاه ایرانی (به خصوص در حوزه علوم اجتماعی و انسانی) باشد. متأسفانه کمتر دیده شد که اساتید دانشجویان را به سمت تجربه‌گری سوق بدهند. ۶ سال تا دوره‌ی کارشناسی ارشد و ده سال تا دوره دکترا طی می‌کنیم و مقاله و پژوهش تولید می‌کنیم با گرفتن کمترین تأثیر از جامعه. نتیجه این است که ما می‌بینیم دانشگاه از فعالان حوزه اجتماعی برای تعریف مسائل خود دعوت نمی‌کند. در مقابل فعالان مدنی هم کمتر به کمک گرفتن از پژوهش‌های دانشگاهی می‌اندیشند. من با توجه به اینکه در دانشگاه هستم می‌توانم این نقد را بکنم که نگاه انسان‌شناختی به پژوهش و دانشگاه و نسبت آن با جامعه دچار سردرگمی است و این مسئله است که ما را دچار مشکل کرده است. برای همین است که مثلاً می‌بینیم بسیاری پژوهش‌ها انجام شده و به کاری گرفته نمی‌شوند و در ادامه با معضل پروژه‌های پژوهشی مواجه می‌شویم که بعضاً دچار سوداگری می‌شوند.

نکته دومی که می‌خواهم به طور خلاصه بیان کنم آن است که در پی این آسیب‌شناسی از رابطه دانشگاه و جامعه انجمن دوستداران کودک پویا طی ۸ سال روندی را آغاز کرده تا بتواند به عنوان یک نمونه کوچک پای دانشگاه را به عرصه اجتماعی و کنشگری مدنی بازتر کند. ما سعی نموده‌ایم که طی این سال‌ها علی‌رغم مشکلات زیاد پژوهشگران و دانشجویان علوم اجتماعی را در تصمیم‌گیری و ارائه راه حل مشارکت دهیم. و البته این اتفاق حاصل مقاومت در برابر روزمرگی دانشگاهی است.

بخش آخر صحبت من به عنوان یک فعال در حوزه آسیب‌ها بیان یک خواسته از دانشگاه است. سؤال این است که چگونه دانشگاه در ۱۰ سال آینده می‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را بهتر انجام دهد. من یک درخواست عینی در این زمینه دارم. کشور ما با موج جدیدی از تحریم‌ها مواجه شد و ظاهراً به نظر می‌رسد که دچار فروپاشی نشده است. بلکه ما به لحاظ سیاسی تا حدی از آسیب‌های آنی این اتفاق گذر نمودیم اما از نظر اجتماعی نمی‌دانیم که چه بلایی در راه است. تجربه تحریم‌های قبلی نشان داد که پس از یکی دو سال موجی از آسیب در حوزه‌های مختلف در کشور ایجاد می‌شود. کودکان کار، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، طلاق و ... من

فکر می‌کنم دانشگاهیان علی‌الحساب و به عنوان یک ضرورت باید بلندگوی جامعه در این زمینه باشند و دولت را به سمت پشتیبانی درست از این معضل سوق دهند. این موج آسیب‌فرو پاشی جامعه را در پی خواهد داشت.

دکتر مقصود فراستخواه:

بسیار بحث آموزنده هست و نکات بسیار مهمی مطرح شد. از جمله نکته‌ها و سیکل‌های معیوبی که آقای دکتر ساکتی فرمودند مانند ضعف در ساختارهای پژوهشی ما، مثلاً در پروپوزالها، یا می‌شود رساله دکتری را یک پروپوزال در نظر گرفت که در آن قسمت با چه مراحل و روشی پیش میرود تا به تأثیر اجتماعی مطلوب انجام برسد. نکته ارتباطات را خانم دکتر فرمودند که ارتباطات خلاق نیست، کارساز نیست. این را خودشان تجربه کردند. آقای دکتر فهم جامعه از دانشگاه را مورد بحث قرار دادند که بسیار مهم است. جامعه چه فهمی از دانشگاه دارد، وقتی فرزندش را به دانشگاه می‌فرستد چه انتظاری از دانشگاه دارد و باقی مسائلی که فرمودند. ولی من یک نکته را ذکر کنم، و آن مورد کاوی است. اگر بشود ما جلسه‌ای داشته باشیم عزیزانی که در دانشگاه و چه در جامعه، صنعت و عرصه مدنی هستند و یا در هر دو بخش هستند حضور پیدا کنند تا تجارب موفقیت‌آمیز و حتی تجارب شکست خود را بفرمایند، مثلاً پویش در حوزه کودکان خاص که نظر و عمل را می‌خواستید، کجای کار شکست خوردید و کجای کار پیروز شدید. بنظر بنده در یک افق قابل درک آینده چه خواهد شد. ما از این کیس‌ها استفاده کنیم تا بیابید و عارضه‌ها را عرض کنید.

دکتر فاطمه جواهری: دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی



حقیقتش این است که بنده در مورد آینده پژوهی دانشگاه‌ها در ایران فعالیت خاصی انجام نداده‌ام اما براساس اطلاعات پژوهشی چند نکته را به عرض می‌رسانم.

در جریان آینده پژوهی دانشگاه‌ها در کنار مسائل دیگر ما باید کمی هم به این بیندیشیم که وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها در آینده چطور خواهد شد/ بود؟ یا این که دانشگاه در آینده منشا چه نوع اثر فرهنگی خواهد شد/ بود؟ به این منظور لازم است مشخص شود که ما طی سال‌های اخیر از دانشگاه چه انتظارات فرهنگی داشته‌ایم تا حالا چه بخشی از آن محقق شده و دانشگاه و افزایش تحصیلات زنان و مردان جوان از نظر فرهنگی ما را به کجا خواهد برد یا چه آثار و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی به جای خواهد گذاشت؟

اخیراً به سفارش معاونت فرهنگی وزارت علوم، درباره سیاست‌های فرهنگی که در دانشگاه‌های دولتی کشور اجرا می‌شود یک تحقیقی انجام شده که حدود دو سال بطول انجامید و دارای چهار بخش متفاوت است. من بخشی از یافته‌های آن را اینجا خدمت شما عرض

می‌کنم. بررسی اسناد بالادستی نشان می‌دهد که در کشور ما حدود ۲۰ مسئولیت فرهنگی مختلف برای دانشگاه در نظر گرفته شده است. از پیشتاز بودن درجهت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تمدن ساز بودن دانشگاه گرفته تا تسهیل امر ازدواج و بهبود شرایط خانواده، بومی سازی علوم به ویژه علوم انسانی، تربیت اسلامی دانشجویان و اساتید، ایجاد طراوت و شادمانی و تأمین اوقات فراغت، حفظ آرمان‌های انقلاب و غرب ستیزی، افزایش مشارکت اجتماعی، کارآفرینی، توسعه و عدالت و...

در واقع یک کمیت و کیفیت بسیار سنگین و زیادی از انتظارات فرهنگی از دانشگاه وجود دارد. این انتظارات متعدد و متکثر هرگز بسادگی و در کوتاه مدت به اجرا در نمی‌آید و گاه در تعارض با یکدیگر آثار هم را خنثی می‌سازند از این رو ما همواره احساس عقب ماندگی و عدم توفیق در دستیابی به اهداف داریم.

زمانیکه به بررسی روند تغییرات ارزشی، نگرشی و رفتاری دانشجویان از ۱۵ سال گذشته می‌پردازیم متوجه می‌شویم متأسفانه بسیاری از ارزش‌هایی که در اسناد فرهنگی از آنها یاد شده و جزء آرمان‌های ما بوده نه تنها دانشجویان ما در آن موارد هیچ پیشرفتی نکرده‌اند بلکه عقب نشینی هم داشته‌اند. برای مثال دانشجویان به مطالعه کردن بی رغبت شده‌اند، به اساتید خود بیشتر بی احترامی می‌کنند و در جلسه امتحان بیشتر تقلب می‌کنند، به دانشجو بودن شان کمتر افتخار می‌کنند، میل به مهاجرت به خارج از کشور در آنها شدت یافته، به ایرانی و مسلمان بودن خود کمتر افتخار می‌کنند و درباره رعایت حجاب، رابطه زن و مرد خارج از چارچوب ازدواج و برخی تخلفات مانند جرائم عقیدتی نگرش‌های منعطف‌تری دارند. بنابراین اگر ما قرار است به تأثیرات دانشگاه در زمان آتی توجه کنیم باید بدانیم فعالیت‌هایی که تاکنون انجام شده آن تأثیری را که از دانشگاه در نظر داشته ایم جامه عمل نپوشانده است. به این دلیل، شاید لازم باشد رابطه دانشگاه با جامعه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

در دوران کنونی فرایند جهانی شدن، انقلاب ارتباطات و دسترسی آسان به رسانه‌های فرامرزی و افزایش تحرک جغرافیایی جوانان بر تغییر انتظارات و نگرش‌های آنان اثر دارد. وجود برخی ناکارآمدی‌ها در ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه و بیکاری افراد تحصیل کرده منشأ نارضایتی شده است. دانشجویان ناامیدند که درس خواندن نتیجه‌ای در تغییر سرنوشت آنها داشته باشد. بنابراین دلزده و دچار بیگانگی تحصیلی هستند.

لازم است ابتدا فهم مان از فرهنگ را عوض کنیم و به جای تأکید صرف بر درونی ساختن باورها و ارزش و عقاید به ایجاد یک نوع سبک زندگی فرهنگی اهتمام داشته باشیم. در این راستا لازم است اهداف فرهنگی واقع بینانه‌تر و دست‌یافتنی‌تری مد نظر قرار گیرد. شایسته است اقدامات فرهنگی به گونه‌های طراحی شود که دانشجویان به مهارت‌هایی برای زندگی، یافتن شغل و حفظ هویت ملی شان در این زمانه پرچالش مجهز شوند. به این دلیل ضروری است روش‌ها و راهبردهای فرهنگی مان تغییر کند و از الگوی معماری و مهندسی در دانشگاه، به سمت الگوی تسهیل‌گری و نظارت‌گری پیش برویم تا دامنه مشارکت دانشجویان افزایش یابد.

در عین حال لازم است سیاست‌های وزارت علوم در خصوص بین‌المللی شدن، خودکفایی اقتصادی مبتنی بر اصل خودگردانی دانشگاهها و تجاری سازی علم مورد تجدید نظر قرار گیرد. شایسته است نقش بفراموشی سپرده شده آموزش و اهمیت رابطه استاد-دانشجو و کارکرد تربیتی دانشگاه تقویت شود. این روزها اساتید وقت ندارند دانشجویان خود را ببینند زیرا همه درگیر فعالیت‌های پژوهشی هستند. این در حالی است که تربیت فرهنگی از خلال تعامل استاد و دانشجو صورت می‌گیرد. مجموعه امور یاد شده آثار فرهنگی دانشگاه را در زمان آتی استمرار خواهد بخشید و دانشگاه را از حیث فرهنگی به یک کنشگر سازمانی اثر گذار تبدیل خواهد کرد.

دکتر اکرم قدیمی: معاون پژوهشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور



خیلی از نکات را دوستان فرمودند و در مورد تعامل دانشگاه و جامعه مساله مورد نیاز ارتباط با آینده است. آینده ای مشخص و هدفمند تا به آن سمت حرکت کنیم. صحبت دوستان حکایت از آن دارد که بین آنچه که هست با آنچه که بعدا باید باشد فاصله وجود دارد. حتی در داخل دانشگاه هم شاهد ناهماهنگی های بسیاری هستیم. مساله مهم نوع انتظاری است که از دانشگاه داریم؟ اما متأسفانه هم دانشگاه و هم جامعه هر کدام صرفاً کار خودشان را انجام می‌دهند و ارتباط نظام‌مند و ساختاری بین این دو فضا وجود ندارد. در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور به منظور معرفی دستاوردهای دانشگاه‌ها به جامعه در حال اجرای پروژه‌ی ترویج دستاوردهای دانشگاه‌ها به جامعه هستیم. ما برای عملیاتی کردن این پروژه ۳۵ برنامه طراحی کرده و برنامه‌هایی در این راستا پیشنهاد کردیم. یکی از این برنامه‌ها؛ برگزاری دومین دوره ترویج علم در پایان نامه‌های دانشجویی. در این جشنواره از دانشجویان درخواست شده که خلاصه‌ای از پایان‌نامه‌اش در یک صفحه برای عموم جامعه تهیه کنند. همچنین همایشی تحت عنوان تعامل نظام دانشگاهی با فضای اجتماعی در روز ۲۹ بهمن برگزار خواهیم کرد. در این راستا سلسله نشست‌های تخصصی در دست اجرا داریم. از همه دوستان برای حضور فعال در این همایش دعوت می‌کنیم.

ما در راستای اجرای این پروژه با بازیگران مختلف جامعه مانند صنعت و دیگر وزارتخانه‌ها سایر نهادهای مرتبط جلسه برگزار کردیم. همه حضار به نبود ارتباط ساختارمند میان علم و جامعه اذعان داشتند. در این راستا باید کارهای مختلفی انجام شود. در بخش سیاستگذاری و برنامه ریزی باید برای ارتباط بین جامعه و دانشگاه برنامه ریزی بشود. که اقدامات عملی نیاز دارد. از همه مهم‌تر ایجاد ارتباط با نهادهای مشابه اعم از دولتی و غیر دولتی در کنار هم ضروری است زیرا این امر، باعث هم‌افزایی شده و زمینه ارتباط ساختارمند را فراهم می‌سازد.

دکتر خسرو صالحی : مدیر عامل شبکه یاری کودکان کار



ضمن تشکر از جناب دکتر فراستخواه و همکاران محترم ایشان که این گفت‌وگو را برای جامعه مدنی در دانشگاه فراهم نمودند. آینده پژوهی آموزش عالی با عنوان، " تاثیر اجتماعی دانشگاه در آینده ایران " چگونه می‌تواند باشد؟ این اتفاق منوط به نگاه جامعه‌گستر

دانشگاه به توده‌های فرودست اجتماع و همراهی و همگامی دانشگاه با آحاد جامعه است. در واقع با این رویکرد و طرح این موضوع می‌خواهیم ببینیم که چه دیدگاه و نگرشی را به دانشگاه داشته باشیم، تا این تعامل و تاثیرگذاری بیشتر و بیشتر اتفاق بیفتد.

با توجه به رسالت دانشگاه، همانطور که دوستان و همکاران بنده در انجمن‌های حمایت از کودکان در ابتدای نشست به خوبی بیان نمودند، این نگاه و رویکرد چه مولفه‌هایی را باید مدنظر داشته باشد تا ارتباط موثری بین جامعه و دانشگاه ایجاد شود. به نظر من این ارتباط اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه دانشگاه پوست بیاندازد و بخواهد که در این رابطه مشارکت فعال داشته باشد. اولین گام از طرف شما بعنوان متولیان این جریان فکری (در اینجا روی سخن، دکتر فراستخواه بعنوان نماینده دانشگاه می‌باشد) و بدنه پویای جامعه (نهادهای مدنی) باید برداشته شود، تا ارتباط موثر با جامعه برقرار شود. قبل از انقلاب شاهد بودیم که دانشگاهیان سردمداران جریان‌سازی روشنفکری و روشنگری در جامعه بودند و انقلاب ما وامدار دانشگاه و حرکت‌های مردمی اسلامی بود و بسیاری از این جریان‌های خودجوش فکری در آن زمان پیشگام و پیشرو بودند. در واقع پرچم‌های روشنگری، مسئولیت‌پذیری و عشق به هم نوع و مشارکت در کنار اقشار مردم در دست دانشگاهیان بود. ولی به مرور زمان همه چیز برعکس شد و هرچه زمان گذشت و جلوتر رفت، دانشگاه گام به گام به عقب برگشت. یعنی دانشگاه از آحاد جامعه فاصله گرفت و عقب‌تر ماند و غایت و هدف دانشگاه شد تولید علم برای علم و از جامعه بخصوص اقشارمردم و طبقه فرودست فاصله گرفت. اکنون بعد از گذشت چندین سال از انقلاب اسلامی، اگر دانشگاه بخواهد به جایگاه انسانی و اجتماعی خود بازگردد، قبل از هر چیز باید اندیشه‌ی دانشگاه را همدردی شود، پویا شود، نقد پذیر شود و بدنه دانشگاه (استاد و دانشجو) در مباحث اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. یعنی با جامعه مدنی همگام و با فعالان اجتماعی هم رای باشد و تلاش کند به نظر نظریه‌پردازان معاصر و کنشگران اجتماعی احترام بگذارد. از تنگ نظری و دگم‌اندیشی دوری گزیده و از خواست و نگرش اکثریت روشنفکران آزاد اندیش فاصله نداشته باشد. اگر اینچنین باشد، این اتفاق می‌افتد. اگر دانشگاه در جامعه روبه توسعه ما، نخواهد در داشته‌ها و نگرش‌های خود بازنگری و دوباره اندیشی کند، فاصله و نگاه طبقاتی دانشگاه به مردم بیشتر و بیشتر میشود و دانشگاه در کنج عزلت به علم‌سازی مشغول میشود و از اجتماع و مردم جامعه خویش دور و دورتر میشود.

در طول این سالها شاهد بودیم که دانشگاه‌های ما صاحب رتبه و درجه شدند، ما جایگاه علمی پیدا کردیم و مدارج و مدارک عالی زیادی در بین دانشگاه‌های معتبر جهان کسب نمودیم و نیز صاحب المپیادهای متعدد شدیم، ولی در اصل آن اتفاق (ارتباط دانشگاه و کنشگران اجتماعی) رخ نداد و ساده‌سازی مسائل بین دانشگاه و جامعه اتفاق نیفتاد، درواقع هم‌نگاهی اتفاق نیفتاد. زیرا یک چارچوب قانونمند و هدفمند در این مسیر وجود نداشت. بطور مثال همواره از طرف سازمان‌ها و نهادهای دولتی متولی در حوزه کودکان به ما توصیه می‌شد، با دانشگاه تعامل بیشتری داشته باشید چون باعث رشد و ارتقای شما می‌شود، چرا که دانشگاه محل آفرینش فکر و اندیشه است، بنابراین این ما تلاش کردیم در بعضی از موقعیتهای و بنا به خواست و نیاز سازمانها مردم نهاد به دانشگاه نزدیک شویم. اما در بسیاری از موارد نهادهای مدنی بخصوص فعالان در حوزه آسیب‌های اجتماعی کودکان در عمل با یک دیوار نامرئی از سوی دانشگاه روبرو شدند و هرگاه که ما بسوی دانشگاه گامی برمی‌داشتیم با یک گام روبه عقب دانشگاه مواجه بودیم، این یعنی فاصله، یعنی دیوار و شانه خالی کردن از وظایف انسانی و مسئولیتهای قانونی دانشگاه... به عبارتی نگاه دانشگاه به فعالان اجتماعی بیشتر نگاهی سیاسی است تا نگاهی اجتماعی و انسانی محور، امیدوارم با این بارقه و جرقه‌های جدید ایجاد شده در دانشگاه، که امروز ما را دعوت نمودید به همفکری و هم‌اندیشی برای خارج نمودن دانشگاه از جمود و کم‌کاری اجتماعی، بتوانیم با تعامل و هم‌افزایی بیشتر به حل مسائل مشترک بپردازیم. بده، بستان کلامی اتفاق بیفتاد و حداقل به حرفهای ما گوش بسپارید. بسیاری از کودکان، این آینده‌سازان کشور در معرض خطر می‌باشند و یکی از رسالت‌های دانشگاه توجه جدی به این امر می‌باشد. به امید داشتن جامعه‌ای سالم و عاری از خشونت علیه کودکان. والسلام



بنده متشکرم از اینکه فرصتی برای آموختن در اختیارم قرار دادید. کلید واژه های این بحث قابل تامل است. تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران معاصر، یعنی ما باید یک تلقی روشنی از اثربخشی اجتماعی نهادی بنام دانشگاه در سپهر ایران معاصر داشته باشیم. در بحث تاثیر اجتماعی دانشگاه مطالعات خوبی در سطح جهانی داریم و مطالعات موردی در مورد دانشگاه‌های برتر جهان انجام شده است. نمونه اش کاری است که هری لوئیس رئیس کالج هاروارد در مورد این دانشگاه انجام داده با عنوان Excellence without a soul: does liberal education have a future. در آن کتاب بحث می کند از آینده liberal education یا با مسامحه علوم انسانی و دانشگاهی که نه فقط در خدمت ایدئولوژی بازار یا مناسک ارتقاء که در جهت تربیت انسان به معنای پایداری یونانی است. در واقع فراتر از اثر بخشی اجتماعی دانشگاه، به چیزی می پردازد که می شود از آن تعبیر کرد به اثر بخشی انسانی دانشگاه، تربیت انسان خوب که قطعا در خدمت جامعه و ارتقای آن خواهد بود. محققان و صاحب نظران علم در ایران مثل مرحوم دکتر قانعی راد هم کارهای خوبی در این زمینه دارند و از همه مرتبط تر به بحث ما کتاب ناهمزمانی دانش ایشان است.

همینطور بحث شبکه ملی دانشگاه و جامعه در معاونت فرهنگی وزارت علوم و بحث ترویج علم که به همت سرکار خانم دکتر قدیمی در مرکز سیاست علمی کشور دنبال می شود. پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم به بحث مسئولیت اجتماعی دانشگاه و علم و جامعه در قالب آثار ترجمه ای و بعضا تالیفی پرداخته است. می خواهم بگویم از داشته های موجود و فراتحلیل آن غفلت نکنیم. راههایی که دیگران آمده اند و گام هایی که برداشته شد را رصد کنیم و با توجه به آن بحث را پیش ببریم. مسئله نسل های اول تا چهارم دانشگاهی هم چنانکه جناب دکتر فراستخواه در کتاب گاه و بیگاهی دانشگاه در ایران نشان دادند بحث توالی خطی نیست. بحث ما علی الاصول این نیست که آموزش باید مقدم باشد یا پژوهش یا کارآفرینی یا ... و یا اینکه علم باید مقدم باشد یا دانشگاه باید مقدم باشد. بنظر میرسد اگر چیزی زنده باشد و در پیوند ارگانیک با متن حیات اجتماعی و فرهنگی یک قوم باشد، تقدم و تاخرش مهم نیست، جای خود را پیدا می کند و اثر بخشی اش را خواهد داشت. یعنی ما گرفتار این نشویم که نهاد علم مقدم است یا نهاد جامعه.

دانشگاه در ایران با توجه به عللی همچون اتخاذ سیاستهای کمی در سال های اخیر به ویژه مقطعی از دهه هشتاد، به شدت توسعه کمی داشته بدون اینکه تقاضای واقعی و موثری برای نهاد علم و دانشگاه از جانب حاکمیت، جامعه، صنعت و ... وجود داشته باشد، یعنی غلبه جنون وار عرضه بر تقاضایی که نیست ... چون این توسعه کمی از دل نیازهای حیات درونی ایران معاصر- در ساحت مختلف اقتصاد و صنعت و سیاست و فرهنگ و ...- نجوشید قاعدتا انتظار اثر بخشی نباید داشت. پیسنهاد من این است که اینکار را باید در چند سطح پیش برد. در سطح سیاستگذاری یک کار شجاعانه وزیر یا معاونین انجام بدهند و در توقف توسعه کمی آموزش عالی موجود محکم بایستند و این ادغام و توقف را ولو با پرداخت هزینه هایی کوتاه مدت انجام دهند. دوم اینکه خود دانشگاهها شروع کنند به خوداندیشی مسئولانه و اینکه قرار است چه اثر بخشی ای داشته باشند؟ اول خانه، سپس همسایه ... این تئوره ها و الگوهای خوب در باره اثربخشی آموزش عالی را از خود دانشگاه شروع کنند و مسئولانه در مراحل بعد یا همزمان در ساحت اقتصاد و

سیاست و صنعت و جامعه و ... دنبال کنند. ما اساتید بزرگی داریم که در دانشگاه خودشان هم موثر نیستند، در سیاستگزاری های وزارت علوم هم موثر نیستند... آن وقت انتظار اثر بخشی آن ها در جامعه و اقتصاد و سیاست و صنعت و ... داریم. شاید دعوتی لازم است تا متواضعانه تر از این گرد و غبارها فاصله بگیریم و از خودمان شروع کنیم. وقتی وزارت علوم از تاثیرات پژوهش های اساتید شاخص آموزش عالی در سیاستگزاری های کلان و خرد بهره نمی گیرد یا کمتر برای آن اولویت قائل است، آیا می توان انتظار داشت که نهادهای دیگر جامعه به مرجعیت علمی و اثر بخشی دانشگاه باور و اهتمام داشته باشند؟

دکتر فاطمه حمیدی فر، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



صحبت خودم را با جمله ای از بیانات امام خمینی (س) شروع می کنم که فرمودند دانشگاه منبع تمام مقدرات و تحولات یک کشور است و دانشگاه یک کشور را تباه یا اصلاح می کند. دانشگاه ها یکی از پیچیده ترین و متحول ترین نظام هاست که در توسعه همه جنبه جامعه از جایگاه ویژه و ممتاز برخوردار است. و یکی از شاخص های مهم اجتماعی در توسعه کشور است. هدف های دانشگاه به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی عبارت است از: ۱- گسترش مرزهای علم و دانش و فناوری ۲- افزایش روحیه تحقیق و تتبع در جامعه به ویژه نسل جوان ۳- تعلیم و تربیت عالی و ارتقاء فرهنگی جامعه و روشنگری فکری و اجتماعی ۴- شناخت نیازها و مشکلات مردم و مشارکت در رفع آنها، کمک به دولت در برنامه ریزیها ۵- آموزش و پرورش نیروهای انسانی متعهد و متخصص برای اداره کشور.

همکاران در جلسه بسیاری از نکاتی که می خواستم مطرح کنم را فرمودند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که دانشگاه هم منشأ دردها و فسادهای موجود و هم منشأ اصلاح کشور است و بسته به این که دانشگاه ها، استادان و دانشجویان چه جهت گیری هایی داشته باشند، ثمرات آن نیز مشخص خواهد شد. ولی چیزی که در بحث دانشگاهها در ایران بذهنم می رسد و قابل ملاحظه است عدم سازگاری و هم سوئی برنامه ها با مدیریت های اقتصادی و سیاست های اقتصادی دانشگاه چه به شکل دولتی و چه به شکل غیر دولتی است. اگر کارکرد دانشگاه در حوزه انتقال دانش و جامعه پذیری و جامعه سازی قرار دهیم یک ارتباط دو طرفه بین دانشگاه و جامعه ای که در آن زندگی می کنیم وجود دارد. دانشگاهها باید واقعیات اجتماعی را ارتقا دهند و نه در نقطه مقابل واقعیت قرار گیرند و پارادوکس ایجاد کنند. متأسفانه رفتن دانشگاه به سمت توده واری، باعث شده است که گفتمان دانشگاهی نتواند شکل دهنده پایه های اجتماعی باشد. در این حالت دانشگاه ها معلوم نیست از چه الگویی تبعیت می کنند: برخی از دانشگاهها همچون قلعه ای رفتار می کنند که تعامل با آنها بشدت سخت است. برخی از دانشگاهها شکل سوپر مارکت پیدا کرده اند تا مردم بخاطر ارتقای اجتماعی و فرهنگی از آنها مدرک خریداری میکنند. برخی دیگر برای تامین مالی دانشگاه به دانشجویان مدرک می دهند و برخی دیگر تلاش کردند که بصورت دانشگاههای مشارکتی و اجتماعی باشند. اگر در حال حاضر دانش جزو بدنه اصلی دانشگاه قرار بگیرد و در درون دانشگاه در حال تبلور باشد. در این راستا باید ببینیم دانش بعنوان علم است یا دانش بعنوان فرهنگ است. فکر می کنم دانشگاههای موفق دنیا دانش را بعنوان فرهنگ شهروندی خودشان قرار دادند و بدون اینکه درگیر حاشیه های بحث دانشگاه و مدرک گرایی بشوند وجود دانش را در بطن زندگی خودشان پیاده می کنند. در بحث تسهیل رفاه اجتماعی که دانشگاههای ایران می خواهند در آینده داشته

باشند دانشگاه باید رهبری فرهنگی، اجتماعی سیاسی جامعه را برعهده بگیرد و پاسخ به این سه ارتباط چگونه می‌تواند فراهم بشود؟ آیا نیازمند تعریف ارتباطی جدید از دانشگاه باید بشود که بشکل سیستماتیک و پویا باشد. ارتباطی که بین دانش جدید بین رشته ای و علوم مختلف وجود دارد که بنظر می‌رسد دانشگاه‌های معتبر دنیا از ان علوم سنتی که وجود داشته و چارچوب تخصصی دانش خارج شدند و بیشتر بخاطر اینکه بتوانند آینده سازی بکنند. و نسل جدید عبارتی ارزش آفرینی می‌کند و این ارزش آفرینی در غالب رشته های سنتی که در دانشگاهها بوده تامین نمی‌شود.

بسیاری از دانشگاهها بروی رشته هایی کار می‌کنند که بین رشته ای است و این مهمترین بخشی که در اینجا وجود دارد اگر در مورد دانشگاه آینده ساز بخواهیم صحبت بکنیم واقعا باید مشخص کنیم رابطه ی متغیر دانشگاه چه دولتی و چه غیر دولتی به چه صورتی است و این نظارت دانشگاه آیا آنها را منفعل تر میکند یا آنها را پویاتر می‌کند. با توجه به رویکردهایی که در این چهل سال می‌بینید که اساسا می‌بایست بر پایه ی انقلاب فرهنگی باشد و از رکود فرهنگی جلوگیری نماید که اینگونه نبوده است. فکر می‌کنم این نیاز زیادی به بازنگری دارد و این تایید فرمایش آقای دکتر هست، برای اینکه ما بتوانیم جریانات پویای دانشی داشته باشیم نیازمند فضای عمومی گفتمانی که از طریق بین المللی شدن دانشگاهها باشد. یعنی اگر دانشگاه بخواهد اینگونه ایستا باشد و همه ی درها بسته باشد و دانشگاه بستری برای تهدید امنیت کشور باشد؛ پویایی دانشی هیچوقت برای دانشگاه ایران ایجاد نخواهد شد مساله دیگری که برای سازندگی اجتماعی دانشگاه وجود دارد، تندروی ها و جناح بندی هایی است که در دانشگاه وجود دارد و باید از ان جلوگیری بشود. و یک مساله دیگری که بوجود آمده سطحی نگری هایی است که در حوزه دانش وجود دارد. یعنی ما دچار مصرف زدگی بسیار شدید دانشی شده ایم و دانشگاه های ما فقط مصرف کننده شده‌اند و از طرق دانشجو و اساتید و ... به این منظر پرداخته نمی‌شود. چون به نظر می‌رسد هیچ انتظاری وجود ندارد. این سطحی نگری افت زیادی برای رویکردهای ارزش آفرینی در بعد دانشی خواهد کرد. یک تحلیلی وجود دارد که در دانشگاه بعنوان خودگرایانه بودن که با خودمحوری در دانشگاهها اشتباه شده است. روحیه آرمانخواهی در دانشگاهها مورد تحریف واقع شده است. اساتیدی که بدنبال این هستند از طریق سمینارها تشویق کنند دانشجویان را تا موفق عمل کنند بیشتر به فکر معیشت خودشان هستند. فکر می‌کنم اگر بخواهیم تاثیر اجتماعی دانشگاه را در نظر بگیریم ارمانهایی که امام خمینی (س) عنوان کردند قابل تامل و درک است که دانشگاه را منشأ سرنوشت جامعه می‌دانند و آن را در رأس امور می‌خوانند؛ از جمله: «مقدرات این مملکت، دست این دانشگاهیهاست و علاوه براینکه ایشان به انقلاب فرهنگی اشاره داشتند درصورتی که چهل سال گذشت و انقلاب فرهنگی موثری صورت نگرفته است که اگر جامعه دانشگاهی نخواهد موثر برخورد کند معلوم نیست چه آینده ای برای دانشگاه وجود خواهد داشت. و چه آینده ای برای رویکردهای اجتماعی که میخواهد از قلمرو دانشگاهی تاثیر پذیر باشد. اهداف اصلی دانشگاه و فاصله گرفتن از آرمان های امام خمینی (س) و گاهی عاملی برای سوءاستفاده دشمنان نظام است، که برای رفع آنها این راهکارها بطور خلاصه ارائه گردیده است: جلوگیری از تندروییها و جناح بندیها در دانشگاه ها، مقابله با رواج سطحی نگری، تقویت خردمحوری و روح جمعی در دانشگاه ها، تقویت روحیه آرمان خواهی، توجه به آرمان های دانشگاهی امام خمینی (س)، جلوگیری از فساد مصرف گرایی علمی و ایجاد فضای عمومی گفتمان از طریق ایجاد بستر های بین المللی. متشکرم.

دکتر زهرا پارساپور: مدیر کل دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی معاونت فرهنگی



برنامه راهبردی تفاوت عمده ای با آینده پژوهی دارد و آن این که در برنامه راهبردی به آسیب شناسی وضع موجود و نیز در مورد آینده ی مطلوب سخن می رود ولی در آینده پژوهی محقق بنوعی با احتمال و امکان سر و کار دارد و البته وضع مطلوب هم لحاظ می شود. بعضی از صحبتها که در این جلسه مطرح شد در حوزه مباحث آینده پژوهی نیست و بیشتر به وضع موجود و مطلوب مربوط می شود. نکته ی دیگری که می خواهم اضافه کنم در مورد تاثیر دو قطب دانشگاه و جامعه بر روی هم که پیش از من در مورد آن صحبت شد، براساس شواهد و پژوهشگاه به نظر بنده با سه قطب روبرو هستیم. قطب سوم، قطب حاکمیت هست که نشان می دهد خواسته های این سه قطب و اهداف آنها لزوما یکی نیست و ما باید در آینده پژوهی هر سه قطب را لحاظ کنیم. آنچه بنده در این فرصت عرض می کنم مبتنی بر لحاظ کردن سه قطب دانشگاه و حاکمیت و جامعه است. صحبتها را در دو بخش تقدیم می کنم. نخست به الزامات شرایط ارتباط میان دانشگاه و جامعه اشاره می کنم و وضعیتی که هر سه قطب باید داشته باشند. جامعه باید احساس نیاز به دانایی و علم داشته باشد. ما در حال حاضر این عطش و نیاز مردم را که گرفتار آسیبهای اجتماعی متعدد شده اند به خوبی ملاحظه میکنیم. آنها باتمام وجودشان تشنگی خود را نسبت به دستاوردهای امروز دانشگاه در حوزه های مختلف فکری و فنی اظهار می کنند چرا که آنچه سنت به آنها داده جوابگوی همه مشکلات آنها نیست و آسیب های متعدد حوزه فردی و جمعی آنها را تهدید می کند. اما رابطه دانشگاه با جامعه در آینده بستگی به دو قطب دیگر نیز دارد. این که دانشگاه ما از حیث ساختار ها در درجه اول و دوم ذهنیت ها چه ویژگی هایی داشته باشد؟ تا چه حد مسؤولیت اجتماعی دانشگاه در این دو جنبه لحاظ شده باشد؟ آنچه در ارتباط میان جامعه و دانشگاه مطلوب است رابطه ارگانیک و ساختاری در حوزه آموزش و پژوهش است نه رابطه های استثنایی و فردی که گاه در گوشه و کنار شاهد آن هستیم. مطلوب دیگر اینست که نیاز های جامعه تا حدودی دغدغه ذهنی دانشگاهیان هم در دانش و هم پژوهش باشد. با این نیاز ها بیگانه نباشند و خود را نسبت به آنها بی مسؤولیت ندادند. ماموریت گرا شدن دانشگاه ها می تواند به این امر کمک کند. مطلوب دیگر اینست که دانشگاهیان ما مهارت گفتگو با مردم و انتقال دانش خود را به جامعه با زبان ساده از سویی و از سوی دیگر به حاکمیت و برنامه ریزان و سیاست گذاران با زبان سیاستگذاری داشته باشند. در اکثر موارد ما در هر دو زمینه مشکل داریم. در حال حاضر سمن ها در مورد اول و انجمن های علمی در مورد دوم می توانند به ما کمک کنند تا این رابطه بهتر شکل گیرد. همین طور باز شدن درهای دانشگاه بروی گروههای متفاوت سیاسی، اجتماع، فرهنگی مردم، که آنها براحتمی وارد دانشگاه بشوند و مشکلاتشان را مطرح بکنند

برای پیش بینی آینده این رابطه، در قطب حاکمیت نیز این سوال مطرح است که آیا اراده ای برای تحقق این پیوند میان دانشگاه و حاکمیت و نیز دانشگاه و جامعه دیده می شود؟ مصلحت اندیشی ها تا چه حد دانشگاه را پاسخ گوی مردم و یا پاسخ گوی حاکمیت و یا حتی در بعضی از امور منفعل و بی خاصیت بخواهد. تا چه حد نگاه ابزاری به دانشگاه برای پیگیری اهداف و ارزشهای اصلی از پیش تعیین شده بدون توجه به دستاوردهای علمی و نیازهای روز جامعه دارد؟ تا چه حد استقلال دانشگاه هم توسط ملت و هم توسط حاکمیت به رسمیت تا متناسب با تشخیص خود میان خواسته ها و نیاز مردم و حکومت تفکیک قائل بشود و پاسخ نیا را را پیدا کند

من در این جا ۸ سوال مهم را مطرح میکنم که پاسخ به این سوالات می تواند آینده ی پژوهی را در این موضوع برای ما ممکن سازد:

➤ چقدر شرایط کنونی با وجود مخاطراتی که در عرصه ی تصمیم و عمل شاهد ان هستیم اجازه ی پیش بینی آینده را می دهد؟

- سنجه ها و معیارهای ارزیابی کارآمدی و ناکارآمدی دانشگاه را چه میدانیم؟
- ظرفیتهای نهادی و سیاستی ما در حال حاضر برای تاثیر دانشگاهها چقدر است؟
- اسناد بالا دستی در آموزش عالی چه نقشی در تحقق این امر ایفا میکنند؟
- آیا تصویر درستی از امکانات ما و راهبردها در این امر در اختیار داریم؟
- آیا تصویر درستی از نیاز اجتماع ملی و بین المللی از نهاد دانشگاه داریم؟
- ظرفیت و جاهت و میزان کارآمدی نهاد دانشگاه در ایران جهت تمهید اهداف در این مساله چقدر است؟
- آگاهی و مهارت و انگیزه ی سوژه ی کنشگر دانشگاهی ما چه میزان است؟

اینها پرسشهایی است که به پاسخش نیاز داریم تا سناریوی آینده را بر اساس حدس بزنیم. متشکرم.

دکتر احد رضایان قیه باشی: دانش آموخته دکتری آینده پژوهی و پژوهشگر پسا دکتری آینده پژوهی دانشگاه تهران



بحث امروز بنده در سه بخش تقدیم می شود. در بخش نخست علاقمند هستم که به این موضوع بپردازم که تجربه موفق بین المللی و داخلی از اثرگذاری اجتماعی دانشگاه بر جامعه داریم یا خیر؟ و اینکه آیا اصلا انتظار اثرگذاری مثبت از سوی دانشگاه بر جامعه انتظاری درست و منطقی است یا خیر؟ و اگر چنین انتظاری درست و منطقی است با چه سازوکاری؟

به نظر من رابطه دانشگاه با جامعه هم در جهان و هم بویژه در ایران غلط تعریف شده است. انتظار از دانشگاه برای نقش آفرینی در جامعه بسیار بالاست. در ایران این انتظار بیش از اندازه است در ایران شاهد هستیم که جریان روشنفکری، رسالت خود را بر دانشگاه تحمیل می کند تا بتواند از ظرفیت های دانشگاه برای توسعه سیاسی - اجتماعی استفاده کند. بزرگان و رهبران سیاسی هم درک اشتباه و نامربوطی از دانشگاه دارند. برخی دانشگاه را همان وزیر دانای پادشاه می بینند. برخی هم دانشگاه را موتور محرک توسعه در تمامی ابعاد تعریف می کنند. گره زدن مسیر توسعه به دانشگاه باعث می شود تا دانشگاه به سرعت سیاسی شود. انتظارات از دانشگاه بالا می رود و رفته رفته با محقق نشدن این انتظارات، دانشگاه به شدت مورد نقد قرار می گیرد. دانشگاه به اشتباه به استعاره ای برای همه خوبی ها تبدیل می شود دانشگاه می شود مدینه فاضله ای که همه را ترغیب می کند تا برای تکامل خود آن را تجربه کنند. انتظار می رود دانشگاه برای تمامی مسائل و چالش های جامعه، نسخه دقیق و کاربردی ارائه دهد. جامعه از دانشگاه می خواهد تا امراض سیاسی - اجتماعی را درمان کند، نیازهای تکنولوژیک را پاسخ دهد و برای مردم رفاه، امنیت و آسایش به بار آورد. چیزهایی که سالها مردم در آرزوی آن بودند دانشگاه باید محقق می کرد. بنابراین از همان ابتدا رابطه بین دانشگاه و جامعه بد تعریف شد.

برای اینکه ما بدانیم آیا در آینده دانشگاه بر جامعه تاثیر خواهد گذاشت یا خیر و اینکه چگونه ممکن است دانشگاه بر جامعه تاثیر مثبت داشته باشد؟ لازم است تا ابتدا آینده های احتمالی دانشگاه مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همچنین کلان روندهای جامعه باید

بررسی شوند تا مسیرهای احتمالی جامعه ایران نیز شناخته شوند. پس از مشخص شدن وضعیت های احتمالی دانشگاه و جامعه، می بایست آن دسته از سناریوهایی که بین این دو نهاد، مشترک هستند و نشان دهنده حیات مشترک این دو هستند را شناسایی و پیشران های این سناریوها را استخراج کنیم سپس عدم قطعیت های اثرگذاری مثبت دانشگاه بر جامعه را در میان مدت و بلند مدت شناسایی کنیم و بر اساس این عدم قطعیت ها سناریوهای جدید را بر اساس اثرگذاری مثبت توصیف کنیم .

من فکر می کنم در هر سه سطح، یعنی: سطح جهانی، سطح ملی و سطح دانشگاه با پیشران ها و عدم قطعیت های مهمی روبرو هستیم که آینده این دو نهاد را رقم می زنند. در سطح جهانی ما با عدم قطعیت هایی بسیاری مواجه هستیم. از جمله همگرایی یا واگرایی ارزشی، نظم متکثر یا تک قطبی و غیره. در سطح ملی با عدم قطعیت مهمی بنام "ارزش" مواجه هستیم. ارزش های آینده جامعه نقش مهمی در وضعیت اثرگذاری دانشگاه بر جامعه خواهد داشت. همچنین عملکرد دانشگاه و نمود های بیرونی آن نیز اثرگذار هستند. در سطح سازمانی نیز با عدم قطعیت های مهمی روبرو هستیم. رابطه نسل های آینده با دانشگاه و میزان اعتماد و استقبال جامعه از نهاد علم و دانشگاه در آینده بسیار مهم است.

اگر بخواهیم با توجه به عدم قطعیت ها و پیشران هایی که می شناسیم، تصمیم گیری پابرجایی برای اثرگذاری مثبت دانشگاه بر جامعه در میان مدت و بلند مدت داشته باشیم اتخاذ کنیم این تصمیم حداقل باید ۵ ویژگی اصلی داشته باشد: ۱. از توسعه کمی دانشگاه بپرهیزیم. ۲. تصویر درستی از دانشگاه در ذهن شهروندان بسازیم. ۳. نهاد علم را از سیاست زدگی و محیط های سیاسی دور کنیم. ۴. شکل جدید و ساختارهای جدیدی برای دانشگاه ها تعریف کنیم. ۵. پول و ثروت را با نهاد علم ترکیب کنیم.

ثریا عزیز پناه:

اگر دانشگاه به سمت ارزش گذاری داوطلبانه برود یعنی چیزی که ما در آن پیشینه هزار ساله داریم، یعنی جامعه ای که مبتنی بر مشارکت هست برای ما ارجحیت دارد. مشارکت با کار داوطلبانه معنا پیدا می کند. نحوه ورود به دانشگاه یکی از خطرات جدی است.

جمع بندی و نتیجه گیری

دکتر مقصود فراستخواه:

ممنون و تشکر از تمام اعضای محترم پنل که حضور پیدا کردند. از مجموع بحث ها یازده عامل تعیین کننده تأثیر اجتماعی دانشگاه در آینده به فرض «دامه نا اطمینانی های کنونی» به شرح زیر قابل استنباط است:

۱۱ عامل تعیین کننده تأثیر اجتماعی دانشگاه در آینده به فرض ادامه نا اطمینانی های کنونی	
(استنباط شده از کل بحثهای پیل و کاربرگ های تکمیل شده توسط اعضا)	
<p>۱. سیاست ها و ساختارهای آموزش عالی کلان</p> <p>تمرکز زدایی از مدیریت آموزش عالی و اختیار سپاری به دانشگاهها ضمن ظرفیت سازی هایی در منطقه برای پاسخگویی اجتماعی دانشگاه</p> <p>سیاستهای عمومی حاکمیت و اسناد بالادستی و شیوه مدیریت کلان کشور مهم ترین عامل تعیین کننده آینده تأثیر اجتماعی دانشگاه است. وضعیت فعلی سیاستها متأسفانه شرایط مطلوبی در این خصوص ندارد و بلکه زیانبار نیز هست</p> <p>ساختار سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن بر وضعیت آموزش عالی از جهت اینکه ساختار سیاسی متمرکز و اقتصاد دولتی نیاز کمی و کیفی متفاوتی به فارغ التحصیل دانشگاه تهران به ویژه از وجه کیفی این موضوع بسیار مهم است</p> <p>در سطح سیاستگذاری و حکمرانی، حرکت به سمت کیفی سازی آموزش عالی مأموریت گرا کردن در ارتباط با سیاست، فرهنگ، اقتصاد و جامعه، تمهید زمینه بین المللی شدن، تن دادن به اصالت فرهنگ و عبور از سیاست زدگی و قبیله گرایی ایدئولوژیک در سیاستگذاری علم و فناوری</p> <p>واگذاری وظیفه معاونت فرهنگی - اجتماعی دانشگاه به دانشکده های مختلف تا دانشکده ها از آزادی عمل و ابتکار برخوردار باشند و نظام فرهنگی دانشگاه غیر متمرکز شود. تقویت رابطه استاد- شاگردی در دانشگاه هها مهمترین محل برای رشد فرهنگی دانشجویان است.</p> <p>تغییر نگاه به فرهنگ صورت گیرد و از پنداشت متمرکز بر ارزش ها و عقاید و باورها بسوی یک سبک زندگی محوری حرکت کند و برنامه های فرهنگی بصورتی باشد که مهارت های لازم برای مواجه با چالش های زندگی را به یاد بدهند تا هم برای او جذاب و جالب باشد هم اثر گذار باشد.</p>	<p>۲. ساختار و مدیریت دانشگاهی</p> <p>ساختارهای مدیریتی در دانشگاه (صلب و سخت یا منعطف و مشارکت پذیر)</p> <p>سیاست های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه هر چه آزادمنشانه و در جهت مشارکت مؤثر دانشجویان در زندگی اجتماعی و سیاسی آنها باشد دانشگاهها بهتر می تواند در آینده تأثیر فرهنگی و اجتماعی داشته باشند</p> <p>فساد و روابط قدرت و سیاسی شدن مدیریت دانشگاه و جرگه گرایی های درون آن که عمدتاً بر اثر سیاستهای کلان شکل گرفته و بر متن با ارزش دانشگاه سایه اندازده شده است.</p> <p>شایسته گرایی مدیریت دانشگاهی و تابعیت آن از هنجارهای آکادمیک و صلاحیت های حرفه ای و خواست خود استادان دانشگاهی در این جهت عامل تعیین کننده ای می تواند در این خصوص باشد</p>
<p>۳. الگوی تعاملات و عملکرد دانشگاه</p> <p>رابطه دانشگاه ها با دولت (نقش مشاور)</p> <p>رابطه صنعت و بازار (بازار و صنعت مبتنی بر رقابت است، دانشگاه چی؟)</p> <p>ارتباطات</p> <p>دانشگاهها علاوه بر انجمن های علمی و تخصصی می تواند انجمن های اجتماعی تشکیل بدهد. این به پیوند نظر و عمل کمک می کند مثلاً با انجمن پوشش در خصوص کودکان زباله گرد به صورت موردی تحلیل و بازشناسی بشود</p> <p>ایجاد ارتباط سیستماتیک با نهادهای مدنی اجتماعی (کودکان ، نوجوانان کارکنان محیط زیست)</p> <p>اهمیت دادن به دوران کودکی و کودک در ایران و گنجینیدن مسائل دوران کودکی در قالب رشته های درسی</p> <p>انجام پروژه های مشترک با نهادهای مدنی حوزه های مختلف به ویژه کودکان و زنان</p> <p>رابطه دانشگاه با جامعه لازم است در سیستم مدیریت دانشگاه به صورت سازوکارها و ساختارهای کارآمد و مؤثر تعریف بشود و به روابط پراکنده اعضای هیئت علمی موقوف نشود</p>	

<p>تلاش در راستای ایجاد ارتباط نظام مند بین دانشگاه و جامعه</p> <p>ایجاد ارتباط و تعامل بین کلیه بازیگران حوزه علم و جامعه در راستای هم افزایی</p> <p>استفاده از تجارب جهانی در حوزه ارتباط علم و جامعه</p> <p>دانشگاه باید رهبری معنوی، فرهنگی و سیاسی جامعه را برعهده بگیرد با ایجاد سه نوع ارتباط با دانشگاه</p> <ul style="list-style-type: none"> - ارتباط جدید میان جامعه و دانشگاه - ارتباط جدید میان علوم مختلف <p>ارتباط جدید بین دانشگاه و دولت</p> <p>دانشگاه برای آن که بتواند تأثیر داشته باشد باید با سایر بخش های دولتی (اقتصاد) و نهادهای مدنی ارتباط داشته باشد.</p>	
<p>۴. فرهنگ آکادمیک</p> <p>یک عامل تعیین کننده درباره آینده تأثیر اجتماعی دانشگاه مربوط میشود به اینکه شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دانشگاه و روحیات دانشجویان چگونه خواهد بود. (میزان رضایت تحصیلی آنها و انگیزه های آموزشی و پژوهشی یا برعکس فرسایش تحصیلی)</p> <p>جلوگیری از فساد مصرف گرایی علمی</p> <p>تأثیر دانشگاه بر خود اعضای هیئت علمی دانشجویان، تأثیر اعضای هیئت علمی یک دانشگاه بر دانشجویان شان، تأثیر اعضای هیئت علمی بر مدیریت دانشگاه</p> <p>وضعیت تندروری ها در دانشگاهها</p> <p>مقابله با رواج سطحی نگری</p> <p>تقویت خرد محوری و روح جمعی در دانشگاهها</p> <p>روحیه آرمان خواهی</p> <p>ایجاد فضای عمومی گفتمان</p>	
<p>۵. سرمایه اجتماعی</p> <p>تصویر ذهنی جامعه از دانشگاه</p> <p>فهم عمومی از دانشگاه</p> <p>فرهنگ علمی در جامعه، ذهن علمی و تحلیلی</p> <p>ادراک عمومی از علم</p>	
<p>۶. ارزشیابی و تضمین کیفیت</p> <p>کیفیت دانشگاه و نحوه ارزیابی مؤثر آن و تضمین کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاهی عامل تعیین کننده مهمی در آینده برای تأثیر اجتماعی دانشگاه خواهد بود.</p> <p>معیارها و سنجه ها نشانگرهایی برای تأثیر اجتماعی دانشگاه توسط خود دانشگاهیان تدوین شود و توسعه داده شود.</p>	
<p>۷. اثربخشی آموزش و پژوهش در دانشگاه</p> <p>دانشگاه در آینده وقتی خواهد توانست تأثیر اجتماعی مغلوب داشته باشد که در درجه اول آموزش ها و پژوهش ها در خود دانشجویان و اعضای هیئت علمی تأثیر نافذ و مطلوب داشته باشد.</p> <p>دانشگاهی که به کارخانه مدرک (Degree factory) تبدیل شده باشد نمی تواند در آینده بر جامعه تأثیر مطلوبی بگذارد.</p> <p>دانشگاههای ایران و مرزهای علم</p> <p>یک وجه از تأثیر دانشگاه تربیتی فرهنگی نسل جوان است</p>	

افزوده شدن بخشی به پروپوزال‌ها براساس تجربه کانادا مبنی بر مراحل و روشهای کاربست یافته‌ها و زمانبندی آن	۸. فرایندها و شیوه‌های انجام کار
<p>دانشگاهها باید چند قدم جلوتر از جامعه حرکت بکنند، مسائل سرحد فرهنگی و اجتماعی و زیست محیطی و سلامت و کیفیت زندگی این جامعه را شناسایی بکنند.</p> <p>شناخت دانشگاه از نیازهای جامعه و انتظارات آنها</p> <p>دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری طبق یک برنامه مؤثر به سمت ارتباط به جامعه هدایت و ارزیابی شوند و دانشجویان در این جهت پرورش داده بشوند و نهایتاً پایان نامه‌ها و رساله‌های معطوف به مسائل واقعی و دارای سفارش‌کننده و کاربر نهایی اجتماعی داشته باشد.</p> <p>تحریم و شرایط دیگر موجهای تازه‌ای از آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌کند برخی از کودکان کار، زنان بی سرپرست و بد سرپرست، کارتون خوابها، معتادین</p> <p>تأثیر دانشگاه بر اجتماع محلی، بر شهر، استان، منطقه و کشور تأثیر در سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی</p> <p>ارتباط مؤثر با جامعه مثل آموزش و پژوهش و راهنمایی پایان‌نامه‌ها لازم است در اصلی‌ترین عملکرد اعضای هیئت علمی تعریف بشود. نه به صورت بخشنامه‌ای</p> <p>در سطح ملی شناخت بهتر و دقیق‌تر در مورد رابطه دانشگاه با جامعه به صورت کلی و در ابعاد کوچکتر فهم انتظار عمومی از دانشگاه، فهم و انتظار صنعت و کشاورزی و سلامت و بهداشت از دانشگاه و ارزیابی عرضه و تقاضای عرضه و تولید نیروی علمی</p> <p>در سطح فرهنگ عمومی، ترویج روحیه علمی از طریق آموزش‌های مثل دانشگاهی و غیر رسمی به عنوان مکمل آموزش رسمی</p>	۹. چاپکی، هوشمندی و شناخت نیازهای جامعه
بزرگترین ضربه به جمعیت نوجوانان و جوانان در زمانی وارد می‌شود که در آموزش و پرورش به سر می‌برند و (حدود ۱۳ میلیون نفر) و دانشگاه با آموزش و پرورش ارتباطی برای حل این مشکل و یاری خواستن از NGO ها و نهادهای ذی ربط مدنی و اجتماعی و دولتی داشته باشد.	۱۰. همکاری متقابل آموزش عالی با آموزش و پرورش
<p>روابط بین الملل - ثبات بیشتر در روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای دیگر به ویژه کشورهای تأثیرگذار در موضوع وضعیت دانشگاه و علم و رابطه دانشگاه با جامعه</p> <p>تغییر سیاستهای خارجی تشنج‌زا</p> <p>دیپلماسی عقلانی</p>	۱۱. بین‌المللی شدن آموزش عالی و دانشگاه در ایران

فایلهای بی دی اف گزارش پنل های بیست گانه میز آینده پژوهی در سایت موسسه فهرست پنل ها برگزار شده میز آینده پژوهی آموزش عالی که از سایت میز با نشانی زیر به طور کامل قابل دریافت است.

محققان و منتقدان و متفکران در این عرصه، لطفا با ملاحظات و نقدهای خود به بهبود عملکرد این میز و مباحث آن یاری کنند

https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc_lang=fa&slct_pg_id=695

- پنل افتتاحیه میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران - مرداد ۱۳۹۳
- پنل دوم: ویژه برنامه ششم توسعه - شهریور ۱۳۹۳
- پنل سوم: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها - مهرماه ۱۳۹۳
- پنل چهارم: آینده بین المللی شدن آموزش عالی در جهان- آبان ۱۳۹۳
- پنل پنجم: جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری - آذر ۱۳۹۳
- پنل ششم: آینده منابع مالی آموزش عالی - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هفتم: آینده گسترش آموزش عالی در ایران - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هشتم: آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران - خرداد ۱۳۹۴
- پنل نهم: جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی - آبان ۱۳۹۴
- پنل یازدهم: تأملی درباره شاخص‌های کمی و کیفی روند علم در ایران؛ برای درکی بهتر از آینده آن - بهمن ۱۳۹۴
- پنل دوازدهم: ضرورت تمرکززدایی و آینده حکمروایی خوب در آموزش عالی با تأکید بر ظرفیت‌های خودتنظیمی مناطق در کشور و آمایش منطقه‌ای سرزمین - خرداد ۱۳۹۵
- پنل سیزدهم: شبکه منطقه‌ای دانشگاه‌ها در کشور، ضرورت تفویض اختیار ساختاری به مناطق دانشگاهی و ارتقای سطح خود تنظیمی مناطق و استقلال دانشگاهی - تیر ماه ۱۳۹۵
- پنل چهاردهم: آینده برنامه ملی ایران برای یادگیری مداوم - آذر ۱۳۹۵
- پنل پانزدهم: آینده‌اندیشی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن - اسفند ۱۳۹۵
- پنل شانزدهم: آینده دانشگاهها و موسسات پژوهشی ایران در رقابتهای جهانی چه می شود - بهار ۱۳۹۶
- پنل هفدهم: محافظت از آینده علوم محض، پایه، بنیادی و الزامات سیاستگذاری آن - تابستان ۱۳۹۶
- پنل هیجدهم: آینده کلاس درس دانشگاهی ما - پاییز ۱۳۹۶
- پنل نوزدهم: بررسی وضع موجود و مطلوب و آینده‌اندیشی درباره وضعیت دوره‌های دکتری آموزش عالی - پاییز ۱۳۹۶
- پنل بیستم: آینده علوم و آموزش‌های ریاضی در ایران - پاییز ۱۳۹۶
- پنل بیست و یکم: نقش ملی دانشگاهها در شرایط پیش روی کشور (دانشگاه بودن در بحبوحه چالشها) - تیر ۹۷
- پنل بیست و دوم: آینده موسسات پژوهشی کشور با تأکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی - مهر ۹۷
- پنل بیست و سوم: آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران - آذر ۹۷